

به دنبال نقشه گنج؛ سفر به تخت سلیمان

شاید اگر روزی بخواهم چند مکان را در ایران نام ببرم که تحت تاثیر فضای جادویی آن قرار گرفته ام، قطعاً «تخت سلیمان» یکی از آن هاست. در یکی از روزهای گرم تابستان ۱۳۹۶ به همراه گروهی از دوستان علاقمند به فرهنگ و تاریخ ایران زمین و به سرپرستی استاد میثم امامی، از تهران رهسپار آذربایجان غربی شدیم. دیدن یکی از جذاب ترین مقاصد گردشگری ایران که در لیست میراث جهانی یونسکو قرار دارد، هیجان سفر را دوچندان می کرد. قبل از سفر اطلاعات بسیار کمی از این مکان تاریخی و رازآلود داشتیم و تنها چند بار اسم آن را در لیست میراث جهانی یونسکو دیده بودم. یکی از عادت هایم این است که قبل از سفر و بازدید از جایی اطلاعات زیادی درباره آن نمی خوانم، تصاویری نمی بینم و تنها به مشخصاتی کلی اکتفا می کنم. این امر لذت اولین دیدار و توجه به جزئیات را دوچندان می کند. در طول مسیر از «گنبد سلطانی» دیدار کردیم و برای نهار خودمان را به «باسترما»، پلوی لذیذ زنجان میهمان کردیم. پس از صرف غذا و استراحت، به سوی مقصد اصلی حرکت نمودیم. در راه از دشت های سرسبز و زیبای آذربایجان غربی گذر کردیم و از پشت پنجره ی اتوبوس، نقاله های معادن قدیمی تکاب را تشخیص دادیم. در طول راه از توضیحات ارزشمند راهنمای سفر استفاده و به دانش خود درباره اطلاعات تاریخی را به اشتراک گذاشتیم. پس از طی کردن جاده های ناهموار و البته زیبای تکاب به تخت سلیمان رسیدیم. قبل از ورود به محوطه اصلی، محو قشنگی مناظر اطراف و سکوت دل انگیزش شدم.





پس از وارد شدن به محوطه اصلی تخت سلیمان که حدود ۱۲ هکتار (تقریباً مشابه تخت جمشید) مساحت دارد، بناهای نیمه مخروبه تاریخی و هم چنین یک دریاچه سحرانگیز زیبا نظرم را جلب کرد. با راهنمایی تورلیدرمان وارد ساختمانی شدیم که در واقع دفتر کار باستان شناسان آلمانی و انگلیسی ای بود. آنها در سال های ۱۹۳۷ تا ۱۹۷۹ میلادی درباره تخت سلیمان مطالعه می کردند و در محوطه آن به کاوش و حفاری مشغول بودند. با قرار گرفتن در آن ساختمان، انگار هنوز هم می توانستم صدای باستان شناسانی که یونیفورم های مخصوص کار به تن داشتند و نقشه ها و یافته های خود را با یکدیگر به اشتراک می گذاشتند را بشنوم. استاد از داستان اصلی تخت سلیمان گفت. از ورود آریایی ها به ایران و سکونت اولیه شان در اطراف دریاچه ارومیه امروزی و مکانی نزدیک به تخت سلیمان تعریف کرد. آریایی ها بعدها به سمت مسجد سلیمان و پاسارگاد حرکت کردند، با این حال باستان شناسان نشانه هایی از زمان هخامنشیان را در تخت سلیمان یافته اند. همین طور آثاری از زمان حکومت اشکانی بدست آمده است؛ ولی قسمت اعظم تاریخ این محوطه به زمان ساسانیان باز می گردد. زمانی که ایرانیان زرتشتی بودند و تخت سلیمان مهم ترین مرکز عبادی و سیاسی آن ها به حساب می آمد. در واقع تخت سلیمان محل نگهداری مهمترین آتش زرتشتیان به نام «ورهام» یا «بهرام» بوده است. اگر بخواهیم برای درک بیشتر مثالی بزنیم، باید بگوییم که ارزش و تقدس آتشکده وره‌رام برای زرتشتیان به اندازه ارزش و تقدس کعبه برای مسلمانان است. فضای رازآلود و جذاب تخت سلیمان به دلیل ساختمان های متعدد مخروبه ای است

که سخن از گذشته می گویند. از جنگجویان و پادشاهان ساسانی که در این مجموعه کاخ هایی داشتند و با آیین خاص و گذر از دهلیزهای مخصوص، برای نیایش و عبادت وارد آتشکده می شدند. از حمله «هراکلیوس» رومی به تخت سلیمان که تعدادی از بناها را ویران کرد و سا سانیان قبل از فرار، برای کوتاه کردن دست رومی ها، گنج های عظیم خود را به اعماق دریاچه تخت سلیمان ریختند.



بعد از سقوط ساسانیان و ورود اسلام به ایران، این مجموعه تا ۴۰۰ سال بعد، همچنان مرکز مهم عبادی و سیاسی زرتشتیان ایران بود. اما به دلایل مختلفی کم کم فراموش و سپس آتش مقدس برای مدتی غیب شد. تا اینکه مشخص شد آتش در خانه یکی از موبدان زرتشتی در شهرستان تفت استان یزد هم چنان روشن است. پس از ساخت آتشکده یزد به دست یک خیر زرتشتی، آتش ورهرام از تفت به یزد منتقل شد. از آن زمان تا به امروز، آتشکده یزد محل نگهداری آتش ورهرام زرتشتیان است. جالب است بدانید که آتش مقدس هرگز نباید خاموش شود و همیشه افرادی وظیفه روشن نگه داشتن آن را به عهده دارند. در طول ۱۴۰۰ سال ورود اسلام به ایران و جابجایی زرتشتیان، حکومت های مختلف بارها در محوطه تخت سلیمان کاخ ها و بناهایی ساختند. به همین دلیل در این محوطه بناهایی با طول عمرهای متفاوت به چشم می خورد. از دوران صفوی تا پهلوی اول این مکان به منزلگاه فصلی عشایر تبدیل شد. در سال ۱۹۳۷ میلادی به صورت کاملاً اتفاقی، از طریق عکس های هوایی و مطابقت با اطلاعات تاریخی کتاب «آندره گدار»، تخت سلیمان کشف و مورد بررسی باستان شناسان قرار گرفت.



چشمه ای که باعث به وجود آمدن دریاچه ی تخت سلیمان با عمق بیش از ۱۰۰ متر شده است. آب این چشمه دارای مقادیر زیاد منیزیم و کلسیم کربنات است و زمین های اطراف را سیراب می کند.



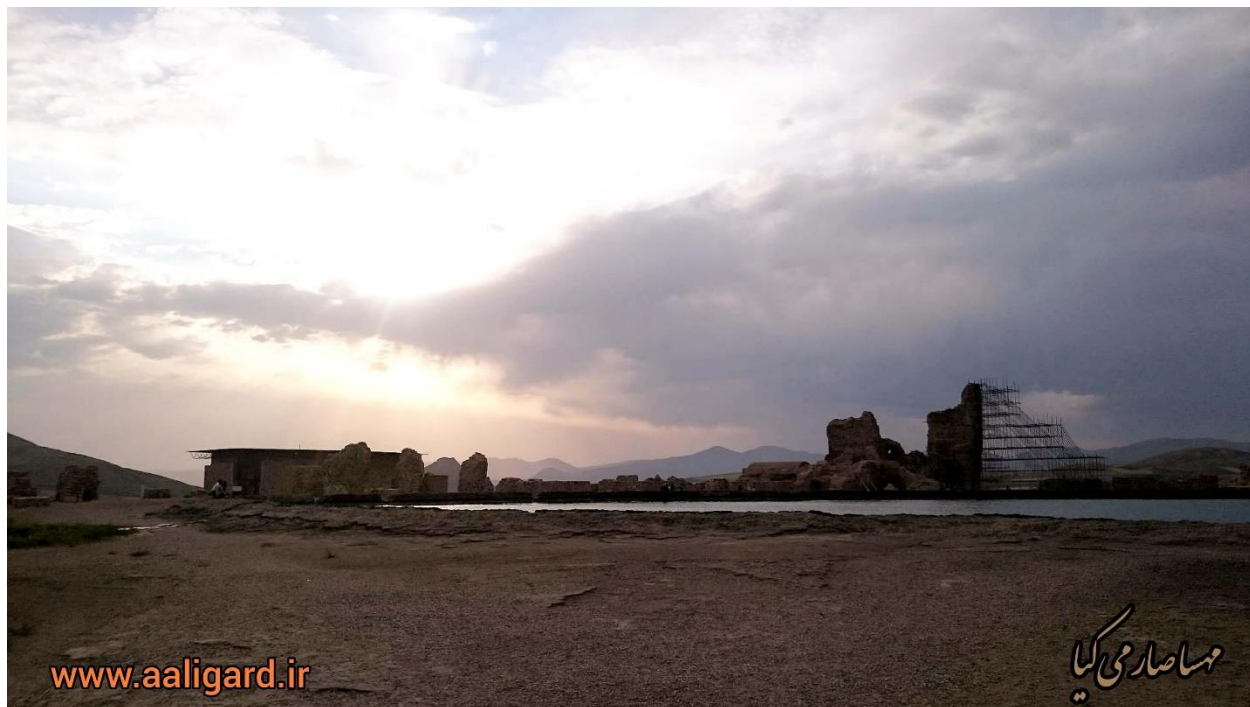
بعد از اتمام توضیحات راهنمای مان، تقریباً در ذهن همه ما یک سوال اساسی وجود داشت. چرا تخت سلیمان؟! علت این نامگذاری چه بود؟ برای پاسخ به این پرسش، باید به فرهنگ عامه مراجعه کنیم. خوب است بدانید که در فاصله کمی از تخت سلیمان، کوهی به نام «زندان سلیمان» یا «کوه بلقیس-ملکه سبا-» قرار دارد.



اگر به تخت سلیمان رفتید، هرگز تجربه دیدن این کوه را از دست ندهید. هنوز صدای پرستوهای در حال پرواز در اعماق این کوه در ذهنم می پیچد. چه تجربه بی نظیری! از سالیان خیلی دور، مردمان محلی و عشایر این منطقه معتقد بودند، حضرت سلیمان دیوهای خود را در این کوه زندانی کرده است. دیوهایی که از اعماق آب ها برای حضرت سلیمان گنج می آوردند! همین جا صبر کنید. شما را به یاد چیزی نمی اندازد؟! گنج های گمشده ساسانیان در اعماق دریاچه تخت سلیمان. پس این تخت پادشاهی نیز تخت سلیمان است! خاصیت فرهنگ عامه همین است. جذابیت آن در هم آمیختن تاریخ، داستان و اسطوره می باشد. تخیل و خلاقیت مردمان در طول تاریخ زیباترین جلوه های فرهنگ را پدید آورده است.

تجربه من از سفر به تخت سلیمان بسیار جذاب و به یاد ماندنی بود و همیشه به دوستان و آشنایان دیدار از این میراث جهانی را پیشنهاد می کنم. با برنامه ریزی سفری دو روزه می توانید از زنگان، تخت سلیمان و غار گرفتو دیدن کنید. یک سفر هیجان انگیز و کوتاه به قلب تاریخ! اگر به تخت سلیمان رفتید، به دشت های سرسبز اطراف

نگاهی بیندازید. به داستان های نیاکان مان، نجوای های خاموش و گنج های پنهان ساسانیان بیندیشید. اتفاق های تاریخ را مرور و تصور کنید و غرق در فضای زیبا و مرموز آن شوید!



واژگان کلیدی: گردشگری، ایران زمین، تخت سلیمان، زندان سلیمان، آذربایجان غربی، شهر تکاب، میراث
یونسکو، تورلیدر، راهنمای گردشگری، باستان شناسی، ورهرام، بهرام، آتشکده، ساسانیان

خاطره از: مهسا صارمی کیا
براساس روایت: استاد میثم امامی